

نظری تبایخ باستان‌شناسی کاشان بنامی شهوتاریخی مسجد میدان

(۲)

احکام و فرامین تاریخی که در جلوخان مسجد میدان کاشان
دداخل صحن آن نصب شده است

نصرت الله مشکوتی
عضو شورایی عالی باستانشناسی

۴- فرمان شاه طهماسب اول صفوی بخط نستعلیق مورخ
سال ۹۷۹ هجری .

۵- فرمان شاه طهماسب اول صفوی بخط نستعلیق مورخ
سال ۹۸۱ هجری .

۶- فرمانی بخط نستعلیق از زمان شاه عباس کبیر صفوی
مورخ سال ۹۹۱ هجری .

۷- فرمان منظومی بخط نستعلیق از زمان شاه عباس کبیر
صفوی مورخ سال ۱۰۰۲ هجری .

۸- فرمانی بخط نستعلیق که تاریخ آن لایق است ،
لیکن باستناد مفاد آن باید تاریخ آن هم زمان با سال فرمان
شماره ۷ باشد .

۹- فرمانی از شاه عباس کبیر صفوی بخط نستعلیق و مورخ
سال ۱۰۲۲ هجری .

۱۰- فرمانی بنام شاه صفی صفوی بخط نستعلیق و مورخ
سال ۱۰۴۷ هجری .

۱۱- فرمانی متعلق بزمان شاه سلطان حسین صفوی بخط
نستعلیق و مورخ سال ۱۱۰۶ هجری .

۱۲- فرمانی متعلق بزمان شاه طهماسب دوم صفوی بخط
نستعلیق مورخ سال ۱۱۴۳ هجری .

اینک بشرح متن فرامین مذکور میپردازیم :
فرمان ابوالمظفر جهانشاه بهادرخان

۱- فرمانی است که بخط ثلث برجسته در روی سنگ
بچهارسطر در زیر کتیبه گچی سردر نقر شده است :

بنائید سیحانی فرمان عالم مطاع سلطان اعظم والحقان
اکرم مالک رقاب الامم ظل الله الرحمن ابی المظفر جهانشاه بهادر
خان وحکم حضرت عصمت پناه سلطنت شاعر عفت دثار بیکم خلد الله
سلطنتهما وآیدنه مملکتها نافذند که اجناس منال شریفه وخالصه
ومظفری وقاضی نظام ونیرونصر آباد سرپشت که داخل جمع
ابواب المال کاشاند از گندم وجو وکلوزه وپنبه وباقلا وزرّه

در مقاله گذشته ضمن تشریح تاریخی مسجد میدان کاشان
که بنام مسجد میرعماد بانی آنهم شهرت دارد ، و در زمره
بناهای تاریخی دوران حکمرانی قره‌قوینلو و در زمان جهانشاه
قره‌قوینلو سال ۸۶۸ هجری بنا شده است ، فهرستی از احکام
و فرامین تاریخی سردر آن که معرف اوضاع اجتماعی و اقتصادی
قرن نهم و دهم و یازدهم و دوازدهم هجری (زمان سلسله‌های
قره‌قوینلو و صفویه) در ایران میباشد نوشته شد ، اینک چون
متن این سنگ نبشته‌ها در معرض حرارت و رطوبت هوا قرار
گرفته‌اند ، و یقیناً همانطور که در حال حاضر قسمتی از عبارات
و یا کلمات آن در اثر سائیدگی و محو شدن قابل قرائت نمیباشند،
در آینده نیز دوچار خرابی بیشتری خواهند گردید لذا برای تکمیل
تاریخی مسجد عمادی کاشان بنظر رسید که متن و مفاد کلیه
فرامین و الواح را با رعایت تقدم زمان و تاریخ در این
شماره بمعرض مطالعه خوانندگان ارجمند قرار دهیم . -

چون در مواقع قرائت متون این فرامین و الواح بعلت
نداشتن وسایل لازم برای دقت و غور کامل در تشخیص و قرائت
برخی از کلمات نامأنوس ممکن است اشتباه و لغزشی پیش آمده
باشد قبلاً پوزش میطلبید . -

بطور کلی دوازده قطعه سنگ که حاوی فرامین و احکام
تاریخی است (ده فرمان در سردر و مدخل مسجد و یک فرمان
درداخل صحن) در حال حاضر در این مسجد نصب میباشد
و بشرح زیر است :

۱- فرمانی بخط ثلث بنام میرزا جهانشاه قرايوسف
قره‌قوینلو (۸۴۱ - ۸۷۴ هجری) مورخ سال ۸۶۹ هجری
و باهتمام امیر عمادالدین شیروانی بانی مسجد .

۲- فرمانی بخط نستعلیق بنام شاه طهماسب اول صفوی
(۹۳۰ - ۹۸۴ هجری) مورخ سال ۹۳۲ هجری .

۳- فرمان دیگری بخط نستعلیق بنام شاه طهماسب اول
صفوی مورخ سال ۹۴۱ هجری .

و ذیره و گاوس و کنجد و نخود و بادام و موز و دوشاب و خضرویات و غیره ذلك برعایا کاشان بطرح ندهند هرچند و فروشنده از نرخ روززاده نفروشد و بتسعیر وقت دهند و آنچه حاصل شود داخل جمع نمایند و بدین علت معارض و مزاحم رعایا و متوطنان و ساکن آنجا نشوند فرزندان دولتیار و امرای کامکار و قههم الله للسعادات تغییرات عارفه نکنند و از این فرموده تجاوز نمایند خلاف کننده در لعنت خدا و رسل و ملائکه باشد فقد باء بائمه و غضب به علیه باهتمام امیر عمادالدین شیروانی بموصول پیوست بَشیر (بوشوره) بعمارة فی ۱۸۶۹ .

۲- فرمانیکه در بالای صفه سمت راست جلوخان مسجد بخط نستعلیق در روی سنگ نوشته شده است .

و بعد برضما یر ارباب بصارت پوشیده نماند که چون عنایت شاهانه نواب کامیاب اعلی فرمان فرمای اعظم ابواب ستم و بدعت حامی اهل ایمان ماحی آثار ظلم و عدوان المؤمنین بتأیید الملك المنان ابوالمظفر السلطان بن السلطان شاه طهماسب بهادرخان خلد الله ملكه و سلطانه و افاض علی العالمین بره و عدله و احسانه بمقتضی رفاه حال کافه رعایا و فراغ بال عامه بر ایا در این و لاحکم جهان مطاع عالم مطیع صادر شده و خلاصه مضمون آنکه امراء و حکام کرام و سادات عالی درجات و قضاة کثیر البرکات و کلانتران و کدخدایان و ارباب رعایا و جمهور ساکنان دارالامان کاشان احسن الله تعالی احوالهم بدانند که بموجب آیه کریمه ان الله یامر بالعدل و الاحسان همگی همت بلند مصروف بر آنست که باب مرحمت اطفاء نواء ظلم و بدعت فرموده است اگر صورت تعدی در ایام سابقه معمول بوده باشد و بمرور ایام استمرار یافته آنرا به دستگیری و سیرت عدالت از صفحه ایام محو گردانیم و در این و لا که دارالسلطنه تبریز مهبط عز و اجلال است و بنفس نفیس متوجه تفتیش احوال ممالک محروسه شدیم چنان بموقف عرض رسید که درازمنه سابقه در ممالک محروسه مبلغهای کلی بر رسم اخراجات میگرفته و این موجب پریشانی رعایا میشد اینمعنی بغایت نامستحسن افتاد که ابواب ظلم و ستم حکومت بر جمعی که متحلی بحلیه اسلام و ایمانند و اعتقاداتشان بیجا و طاهرین درجه حال دانسته باشد توان گشود و تجویز طلب خارج رقم خارجی بر این فرق لازم الاکرام توان نمود همت عامرانه و قوام خسروانه شامل حال عموم ساکنان آن دیار فرموده از ابتداء پیچ تیل سد ابواب

۱- این فرمان در فصلی که شادروان حسین شهشانی در تعلیقات و توضیحات بکتاب تاریخ کاشان اضافه نموده است درج شده لیکن تاریخ آنرا (درص ۵۳۰) ۸۹۹ هجری ضبط کرده اند. بنظر نگارنده تاریخ ۸۶۹ هجری صحیح است زیرا میرزا جهانشاه در سال ۸۴۱ هجری و بانی مسجد امیر عمادالدین نیز در سال ۸۸۲ هجری (تاریخ سنگ قبر امیر عمادالدین) در گذشته اند بنابراین تاریخ ۸۹۹ هجری مصادف با زمان حیات آنان نمیباشد .

آنوجهات و تخصیصات و اطلاق وجوهات خصوصاً ده بک رعیتی و وجوه تجاوزی مقرری و نزول حال و مبلغ چهل و پنج تومان و چهار هزار دینار تبریزی که اضافه بر مبلغ شصت تومان رسوم داروغگی سابق شده بود و استمرار یافته و ده یکی از جمله ده بک و نیم سیورغالات ارباب مسلمیات کرده مقرر فرمودیم که طلب وجوهات مذکوره از آن ملک بالکلیه مفقود بوده حواله کننده و گیرنده را مطرود شناسند و اصلاً در آن ملک تعیین خارج نویس نموده قرع باب جارچی نواختی تا کبار و صغار آن دیار مرفه الحال فارغ الباب بوده بدعا گوئی و دوام ما نیز اشتغال توانند نمود تا که من بعد یکدینار و یکمن بار بعلت اخراجات بهر اسم و رسم که باشد سیما مذکورات این فرمان فراوانشان بجائی حواله ندارند و استمرار و استقرار این عطیه اهتمام نمایند که خلاف کننده در لعنت و سخط رب العالمین و انبیاء مرسلین و ائمه معصومین صلوات الله علیهم خواهد بود فمن بدله سمیع علیم و من سعی فی ابطاله فعلیه لعنة الله و الملائكة و الناس اجمعین تحریراً فی سنه ۹۳۲ .

۳- فرمانیکه در زیر کتیبه تاریخی سردرب باش سطر بخط نستعلیق در روی سنگ نوشته شده است .

و بعد برضمیر منیر انور کبیر یا گوهر مخفی نماند که همگی توجه خاطر فیض گستر نواب کامکار اهل ایمان ماحی آثار فسق و عصیان اعلی همایون فرمان فرمای ربیع مسکون بتأیید الملك المنان ابوالمظفر السلطان شاه طهماسب بهادرخان خلد الله تعالی ملكه و سلطانه و افاض علی العالمین بره و عدله و احسانه که شجره اقبالش لازال از جو بیار شریعت سید المرسلین و طریقت ائمه معصومین مستور نماند پیوسته ؟ مصروف و معطوف بترویج دین مبین و شرع مستبین است و در این ولایت بپیمان توقیعات از لیه و برکات تقبیل عتبه رضیه رضویه علی عنایت نامتناهی رای دلگشای الصلوة و السلام و التوجه بشور هذا و توبوا الی الله توبه نصحاً را بمسامع اعزاز رسانیده از روی اخلاص استماع نموده از مناهای و منکرات توبه نصح و وقوع یافته بمقتضی کریمه گنتم یامرون بالمعروف وینهون عن المنکر حکم مطاع واجب الاتباع صادر گشته که از کلیه ممالک محروسه شرابخانه و بنگخانه و معجونخانه و بوزخانه و قوالخانه و بیت اللطف و قمارخانه و کبوتر بازی مستوفیان کرام ماهانه و مقرری آنرا از دفاتر اخراج دارند و ابواب جمع دفتر نوازند و امور مذکور را از جمیع ممالک خصوصاً دارالایمان کاشان بر طرف ساخته نگذارند که من بعد کسی مرتکب این مناهای شود و سایر نامشروعات را مثل ریش تراشیدن و طنپور زدن و دیگر آلات لهو نمایند ؟ و هر کس مرتکب این امور شود زجر و سیاست بلیغ نموده آنچه مقتضی شرع شریف باشد دارند و منع نقاره زدن اجماع کردن در بقیاع خیر نمایند احدی بعلت طلبی نکند و منع آمارد

نمایند که در حمامات خدمت نکنند غازیان عظام و عساکر ظفر فرجام و جمهور سکنه و عموم رعایا و متوطنه آنجا حسب المنظور مقرر دانسته هر کس متصدی امری از امور مذکوره شود از مردودان شناخته تغییر کننده را در لعنت و سخط الهی داند فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یدلونہ و نافذ من تعصب لله و کان ذلک فی السابع من شهر ربیع الاول سنه احدی و اربعین و تسعمائه هجریه. ۹۴۱

نگنجد گرمهای حق در قیاس

چه خدمت گذارد زبان سپاس

خدایا تو این شاه با داد و دین

که او کند بنیاد فسق از زمین

بسی بر سر خلق پاینده دار

بتوفیق طاعت دلش زنده دار

آمین یا رب العالمین

فرمان شاه طهماسب اول صفوی (۹۳۰ - ۹۸۴)

۴ - فرمانیکه بخط نستعلیق هشت سطر در زیر کتیبه

سردرب ثبت است.

فرمان همیون شرف نفاذ یافت آنکه چون همیشه توجه خاطر اشرف مصروف آن است که کافه برایا و عموم رعایا در مهد امن و امان و مأمن فراغت و اطمینان آسوده حال و فارغ البال بوده از روی فراغت و رعایت و آبادانی قیام نمایند لهذا شفقت شاهانه شامل حال و کافل آمال عموم شیعیان دار المؤمنین کاشان فرموده مالود کاکین محترفه عن د کاکین بقالی و بیت النحل و مواشی و مراعی آنجا را عن بدله فین و رهق از ابتدای بیخ تیل بتخفیف و تصدق مقرر فرموده ثواب آنرا بارواح مطهره حضرات چهارده معصوم صلوات الله علیهم اجمعین هدیه نمود . سادات و ارباب اهالی و اعیان و عالی و جمهور سکنه دار المؤمنین من کل الوجوه مستظهر و مستمول و مستوق و امیدوار بوده در تکثیر عمارت و زراعت و آبادانی و دعا گوئی دوام دولت ابد مقرون کوشیده و رقم این عطیه را به لعنت نامه بر سنگ نقش کرده بر در مسجد جامع در محل مرتفع که منظور نظر عموم خلایق باشد نصب نمایند عمال و متصدیان مهمات دیوانی بلده المؤمنین مذکور برین موجب مقرر دانسته من بعد بدین علت اطلاقی و حوالتی بر رعایا و عجزه نمایند حکام و تیولداران و ارباب سیورغالات مسلمیات آنجا آنچه در این باب به تیول و سیورغال ایشان مقرر باشد باطل دانسته بدان علت طلبی نکند و تغییر کننده را از مردودان درگاه شاهی داند در این باب قدغن دانند و هر ساله حکم مجدد نطلبند تحریراً روز شنبه دهم رمضان المبارک قوی تیل سنه تسع و سبعین و تسعمائه ۹۷۹ .

۵ - فرمانیکه در سمت راست مسجد در روی سنگ سیاه

۲ - این فرمان هم در کتاب تاریخ کاشان ص ۵۳۲ چاپ شده است.

بخط نستعلیق درده سطر نوشته شده است :

مضمون حکم جهانمطاع آفتاب ارتفاع در باب رفع صابونخانه و لوازم آن فرمان همیون شد آنکه چون از مآثر توفیقات و میامن تأییدات نامتناهی همگی نیت و تمامی همت و الانهت نواب همیون ما مصروف و معطوف بر آن است که در جمع بلاد و ممالک و حدود اقطار ممالک محروسه آثار بدعت و و مراسم جور و اعتساف محو و منسی گردیده رقم امثال این امور بنوعی از صفحات ایام بزلال معدلت که مثمر شجره نصرت و دوام نخل سلطنت است شسته گردد که اثری از آثار آنها بر جریده روزگار باقی نماند تا جمهور مؤمنین و عموم متوطنین ممالک محروسه خوشحال و فارغ البال بدعا گوئی دولت ابدال اتصال اشتغال نمایند و چون عمل صابونخانه ممالک مبتنی بر بدعتها و ستمهای کلی بوده از ابتداء تخاقوی تیل شفقت و مرحمت درباره تمامی رعایا و کافه برایا که و دایع حضرت آفریدگار الهی ظل شانه و عظیم سلطانانند فرموده تمامی صابونخانه ممالک را عموماً دار المؤمنین کاشان را خصوصاً بر طرف ساخته رفع بدعتها و ستمهای مذکوره نمودیم و فوائد و منافع آنرا ضمیمه سایر موهبات و عطیات که از بدواخر نیز دولت روز افزون تاحال نسبت بجمع خلق بمنصه ظهور رسیده دانسته بفرق انام از خواص بخشیدیم تا هر که خواهد برفوق و اراده خود صابون یزد و فروشد هیچ آفریده را مجال تعرض برون باشد و ثواب رفع بدعتها و ستمهای لازم آنرا بارواح طیبات با برکات عالی حضرات چهارده معصوم صلوات الله علیهم اجمعین هدیه کردیم بناء علیه حکام کرام و سادات عظام و کلانتر و وزیر صابونخانه آنجا را بطریق مابقی ممالک محروسه بر طرف ساخته بدعتها و ستمهای را بکلی از بین مرفوع دارند و من بعد پیرامون بدعتها و ستمها که لازم لعنت است نگردند تا هر کس خواهد صابون بعمل آورده منتفع گردد و بهیچوجه احدی مجال مزاحمت بر فعلش نباشد و تغییر دهنده و خلاف کننده را به لعنت و سخط گرفتار داند تحریراً روز دوشنبه دوم شهر محرم الحرام تخاقوی تیل سنه احدی و ثمانین و تسعمائه ۹۸۱ .

۶ - فرمان شاه عباس اول صفوی که در روی سنگ سیاه پائزده سطر بخط نستعلیق بطول و عرض ۷۰×۵۰ سانتیمتر در روی یکی از جزرهای سمت راست جلوخان ثبت است.

فرمان همیون شد آنکه چون پیوسته خاطر فیض مآثر مصروف است برفاه حال و فراغ بال عجزه و مساکین و عامه مسلمین بنا بر این از ابتداء توشقان تیل مبلغ چهل تومان تبریزی جمع دلالی دار المؤمنین کاشان که داخل و جوه مقطعیست بتخفیف و تصدق مقرر فرمودیم که من بعد بدان علت اطلاقی و حوالتی نشود . بنا بر این کلانتر و عمال و متصدیان مهمات دیوانی کاشان حسب السطور مقرر داشته این حکم همایون را نقش کرده بر جای بلند در در مسجد نصب کنند مستوفیان عظام دیوان اعلی هر ساله

مبلغ مذکور را از جمله وجوه مقطعی بخرج مجری دارندوبدان علت حواله و اطلاقی نکند در این باب غدغن دانسته از فرموده درنگذردند و هر ساله حکم مجدد نطلبند و خلاف کنند را مورد لعنت و از مردودان درگاه شناسند تحریراً فی شهر ذیحجه الحرام سنه ۹۹۹ تمت .

در درج اقبال مختاریک

که بر دهر بادش مدام اختیار

فلک اقتداری که بر قامتش

کند خلعت^۳ اقتدار افتخار

همین بس که شاهنشاه کامبخش

که تا حشر بادش بقا برقرار

زدلالی ملک کاشان که بود

بدل تاجران را از آن صد غبار

بجهد وی از چل تمن اصل مال

که با فرع او بود صدگیرودار

گذشت و موکد^۴ بلعت گذشت

وزو ماند این تا ابد یادگار

۷- این اشعار در روی سنگ کوچکی در بالای فرمان

در شماره ۸ بخط نستعلیق نوشته شده است (بارتفاع ۴۵ سانتیمتر

عرض ۳۵ سانتیمتر)

در هزارودو بتاریخ عرب

در رکاب شه ناهید طرب

خضر بحر کف آن آصفجاء

التماس دو مهم کرد ز شاه

اولین بدعت کیالی بود

که جهان از ستمش حاکی بود

دومین بود مهم اموات

که فلک بود از آن در سکرآت

شاه آن هر دو باصف بخشید

آصف از شاه بمقصود رسید

یارب این پادشه روشن بخت

یاد تا حشر فروزنده تخت

۸- فرمانیکه بخط نستعلیق ریز در هشت سطر روی سنگ

سیاهی نبشته شده (عرض ۹۰/ و ارتفاع ۴۴/ سانتیمتر)

و در جرز سمت چپ نصب شده است .

فرمان همیون شد آنکه چون همواره همت و الانهت

و نیت صافی طوبیت مصروف بر آن است که در زمان دولت

بیزوال و خلافت عهد ابدی الاتصال عموم رعایا و کافه برایا در ظللال مرحمت و عاطفت نواب همیون ما آسوده و مرفه الحال بود از جهة خلایق و عباد الله بزالل مراحم و الطاف خسروانه بتخفیفات و رفع بدع و تصرفات و محدثات مطمئن و فارغ البال بوده باشند و بعرض رسید که در دار المؤمنین کاشان مبلغی بعنت رسوم کیالی و قپانداری ابواب جمع است و امتعه واجناسی که جهة فروختن بدانجا میآوردند مقدارى رسوم بعنت مذکور که جمعی متصدی این امرند از فروشنده و خرنده ثابت مینمایند و این معنی موجب زیادتى تسعیر اجناس و باعث تعجب و تشویش آینده و رونده مردم آنجاست لهذا اوامر شفقت شاهانه و عاطفت بی نهایت پادشاهانه شامل حال و کافل امانی و آمال عجزه و رعایا دار المؤمنین الا ابتداء بیچ نیل رسوم مذکور را بتخفیف و تصدق مقرر فرموده ثواب آنرا به ارواح مقدسه حضرات عالیات سدره مرتبات ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین هدیه فرمودیم مستوفیان گرام عظام دیوان اعلی رقم این عطیه را در دفاتر خلود ثبت نموده بعنت آنچه رسوم ابواب جمع مذکور بوده باشد بتخفیف اعتبار و تصدق نموده و در دفاتر عمل نمایند و همچنین بمسامع عزو جلال رسید که در دار المؤمنین کاشان هر کس فوت شود قضاة و متصدیان شرعیات و داروگان و ضابطان بیت المال مبلغ شصت دینار گرفته میدهند که میت را دفن نمایند و این معنی خلاف شرع اطهر است بنا بر این مقرر فرمودیم که من بعد آن قاعده را مؤکد بلعت نامه بر طرف دانسته بدین علت یکدینار باز یافت نموده طلب و توقعی ننماید قضاة اسلام و حکام گرام و داروگان و عمال و متصدیان و مستوفیان و منشیان امور دیوانی و ضابطان بیت المال و غیره فرمان حسب المسطور مقرر دانسته رسوم کیالی و قپانداری و و دفن یکدینار از هیچ آفریده نگرفته مؤکد بلعت نامه بر طرف دانسته صورت این حکم همیون را در سنگ نقش کرده در مسجد جامع دار المؤمنین مذکور محل مرتفع که منظور عامه باشد نصب نمایند خلاف کننده فرمانی بلعت نامه مردودان درگاه پادشاهی شناسند در این باب قدغن فرموده از دانسته درنگذردند و در این باب همه ساله حکم مجدد نطلبند بمضمون فمن بدله

قسمتی از خطوط پایان فرمان مزبور حاکم و محوشده است

که قابل قرائت نمیباشد .

۹- فرمان ذیل که در روی سنگ بخط نستعلیق و ده سطر

میباشد در بدنه جرز سمت راست جلوخان نصب است (ارتفاع

۷۰ سانتیمتر عرض ۵۶ سانتیمتر) .

الملك لله

فرمان همیون شد آنکه از ابتداء بارس نیل مال یکماهه

رمضان المبارک محال شبعه بلده و بلوکات دار المؤمنین کاشان

۳ و ۴ - تاریخ کاشان: تألیف عبدالرحیم کلانتر ضرابی (سهیل)

بکوشش آقای ایرج افشار در ص ۵۳۴ خلعت را «خلقت» و همچنین

موگد را «باگه» ضبط نموده اند - کتابفروشی ابن سینا تهران ۱۳۴۱

انتشارات فرهنگ! ایران زمین .

بتخفيف وتصديق مقرر شده ورقم اشرف بتاریخ شهر رمضان المبارک سنه اثني وعشرين الف عز صدور یافته ودرینولا چون ازابتداء توشقان ٹیل مالوجہات ووجوہات یکماہه رمضان محال شیعہ ممالک محروسه را سوی جہاتی کہ باجاره میدهند بتخفيف وتصديق مقرر داشتیم ارباب ورعایا وعجزه دارالمؤمنین مذکور استدعای حکم امضاء بمضمونی کہ درباب سایر محال شیعہ گذشتہ نمودند. بنابراین مقرر فرمودیم کہ مستوفیان عظام گرام دیوان اعلیٰ درسنہ بارس ٹیل مال یکماہه رمضان محال شیعہ دارالمؤمنین مذکور را بدستوری کہ قبل از این رقم اشرف عز صدور یافته بتخفيف وتصديق اعتبار نمایند وازابتداء توشقان ٹیل مالوجہات ووجوہات ایشانرا ضمن رسید شهر رمضان المبارک سوی جہاتی کہ باجاره میدهند بدستور سایر محال شیعہ ممالک محروسه بتخفيف وتصديق مقرر دانند ورقم این عطیہ را دردفاتر خلود ثبت نموده و تغییر و تبدیل بقواعد آن راه ندهند و آنچه تیول وموجب همساله مقرر است تیول تیلداران موجب همساله را برطرف دانند و آنچه بتیول وموجب همساله مقرر نیست واز دیوان حواله میشود رسید یکماہه مزبور را سال بسال کم نموده تتمه را تنخواہ ارباب حوالات نمایند. تیولداران الکاء مزبور حسبالمسطور مقرر دانسته ... یکماہه مزبور را از تیول خود برطرف دانسته طلبی از رعایا نمایند کلانتر و وزیر و کدخدایان الکاء مذکور بتخفيف رسند اگر سنی در میان شیعیان بوده باشد یا مردم محلی از محال سنی بوده باشند بایشان تخفيف داده نمیشود نسخه در دست داشته بدفتر خانہ همیون فرستند کہ مستوفیان عظام در دفاتر دیوان اعلیٰ عمل نمایند و دانسته باشند کہ اگر پوشیده و پنهانی کرده باشند در دیوان سلطنت بازخواست خواهند شد و در خدمت حضرت امیر المؤمنین و امام المتقین اسد اللہ الغالب شرمندہ خواهند بود و تغییر و تخفيف کنندہ مزبور بلعنت و نفرین حضرت رسالت پناه گرفتار گردد می باید کہ بدین عطایا مسرور بوده و بدعا گوئی دوام دولت روز افزون کوشند و مضمون این حکم بر سنگ نقش کرده بر در مسجد جامع جہتی نصب نمایند و در این باب قدغن و امر و حکم همساله نطلبند^۵ . ۱۰۲۲

۱۰ - فرمانی کہ در طرف چپ جلو خان در روی سنگی سیاه بخط نستعلیق نوشته شده و مورخ بسال ۱۰۴۷ هجری است: شاه صفی ابن صفی . . .

بعد از حمد و سپاس پادشاه پادشاهان و درود بر پیغمبر آخر الزمان ولی دوران صاحب دولتی سزاوار سروری است کہ با خلق اللہ در مقام مرحمت بوده بقای ذکر جمیل را بر اغراض دنیوی ترجیح داده رفع تکلفات شاقه نماید خلعت این توفیق بر قامت قابلیت امارت و شوکت پناه عالیجاه راست آمده

۵ - این فرمان هم باستانی دوسطر آخر آن در تاریخ کاشان ص ۵۳۳ چاپ شده است .

کہ چون بتاریخ سنه ۱۰۴۷ هجری حسب الامر پادشاه جمجاء فریدون حشمت نوشیروان عدالت گلدسته گلستان مصطفوی سرو نوخیز حدیقہ مرتضوی منصب حکومت کاشان یافته بخلق باخلاق ستوده ولی نعمت فرشته مصلحت فرموده متفحص احوال مملکت مینمودند تا اگر رسمی خلاف مروت معهود باشد مقفود سازند ظاهر شد کہ اجناس ماکولات آنچه بکاشان میآمده و در میدان عربان خرید و فروخت میشده حکام سابق از خر و آوری مقداری تصرف میشده اسمی مبدع بر آن مخترع مثل یوزیاشی و بارانداز بر خاطر عربان میگذاشته اند همت سرشار عالی حضرت مشارالیه در طرف این مختصرات نگنجیده متروک ساختند اگر حاکمی از این تاریخ بعد بکاشان آمده در این امر متابعت ننماید خاک بی شرمی زرد بده مرد ریخته خواهد بود .

هر که او نیک میکند یا بد

نیک و بد هر چه میکند باید.

۱۱ - فرمان زیر در داخل صحن مسجد بر روی یک قطعه سنگ مرمر بخط نستعلیق کہ بطول قریب ۳ متر و عرض ۵۰٪ ساتیمتر است نقر شده :

حکم جهانمطاع شد آنکه وزیر و داروغه دارالمؤمنین کاشان بشفقت شاهانه سرافراز گشته بدانند کہ چون از هنگامی کہ مهره انجم بر تخته زرنگار فلک آبیگون سیماب نمون بدست قضا چیده و کعبتین عاج نیرین بر تخته و نقد سعادت کوفین بنقش نشستن جہت گردیده گنجور گنجینه وجود نمودای حقانیت اقتضای قل اللهم مالک الملک توتی الملک من تشاء وتزع الملک من من تشاء وتعز من تشاء وتذل تشاء بيدك الخير انك على كل شئی قدير درهم و دینار تمام عیار دولت و اعتبار وزر دہدی؟ پادشاهی و فرماندہی عز صدور یافته جہت این دو دمان خلافت و امانت و خاندان نبوت و ولایت در مخزن هستی و در کمال سرپرستی محفوظ و مضبوط داشته حق شناس این نعمت بقیاس و اداء شکر این عارفه محکم اساس در این عهد سعادت مہد کہ عذرای دولت روز افزون در آغوش و لیلای سلطنت ابد مقرون دوش بدوش و اولین سال جلوس میمنت مانوس و اوان شگفتگی گلشن آمال عامہ نفوس است ہمت صافی طوبیت معدلت گستر و ضمیر منیر مہراضات شریعت پرور بحکم آیہ وافی ہدایہ الذین ان قلنا ہم فی الارض اقام الصلوٰۃ و اتوا الزکوٰۃ و امروا بالمعروف و نہوا عن المنکر باجرای اوامر و نواہی خالق کل و خاتم انبیاء و رسل بفحوائ صدق اتتمای اطیعوا اللہ و اطیعوا الرسول و اولی الامر لعلکم تفلحون معطوف و مصروف داشته امر عالم مطیع شرف نفاذ یافت کہ بمضمون بلاغت مشحون قل انما حرم زنی الفواحش ما ظہر منها و ما بطن پرده گیان پرده گشا پرده نشین و شاہدان چہرہ نما خلوت گرین بوده باہل عصیان نقاب بی شرمی از رخسار عفت باز ننمودہ دامن زن آتش غضب دادار بی نیاز نگردند ساکنان خطہ ایمان و مقیمان دارالعبارہ باتفاق بمضمون حقیقت نمون

۱۲ - فرمانیکه در روی سنگ سفید و بالای فرمان مورخ
سنه ۱۰۴۷ بخط نستعلیق نوشته شده است :

حکم جهانمطاع شد آنکه چون پیوسته مذکور خاطر
خطیر اقدس و مکنون ضمیر منیر انفس ایشان درین مبین خیر البشری
و اشتها منهای و حاج اثنا عشری در محو آثار مبتدعه و رفع اطوار
مخترعه و ترفیه عباد و تعمیر بلاد است بناء علیه در این وقت که
سیادت و نجابت پناه هدایت و نقابت و کمالات دستگاه فضیلت
و افادت بقا ائنبه حقایق و معارف آگاه عالیجاه اسلام اسلامیان
ملاذی مخلص عقیدت کیش سراج اللسیاده و النجاه و الهدایه
و النقبه و الفضله و الافاده و الکمال میرزا ابوالقاسم رضوی
بعرض اقدس رسانید که حواله وجهی بصیغه سرشمار و وجهی
بعلت توفیر نشستن بصیغه محال مشهور به بعضی از قسرای
دارالمؤمنین کاشان متداول است که در هیچیک از بلاد شیعه این
طریقه شنیعه مستمر نیست و از آنجا که خلوص عقیدت اعیان
و اهالی متوطنین دارالمؤمنین بر مرآت خاطر قدس مظاهر
همیون جلوه و ظهور دارد و مرسوم مبتدعه مزبوره را بتخفیف
و تصدق فرق فرقدانهای اقدس و مقرر فرمودیم که حکام و عمال
و جهتین مزبورین را از حشو جمع بنیچه دارالمؤمنین مزبور
وضع و متوجهات ایشان را موافق بنیچه سایر طبقه موافقه
اثنا عشری دارالمؤمنین حواله و خلاف کننده را از زمره شیعیان
ندانند مستوفیان عظام گرام دیوان اعلی سرشمار و توفیر مزبور را
حشو از جمع حکام و عمال دارالمؤمنین مزبور وضع و بدان
علت دیناری ابواب جمع ایشان نموده جمع ایشانرا موافق بنیچه
سایر محال بر آورد و حواله و شرح رقم مطاع را در دفاتر خلود
ثبت نموده از شایبه تغییر و تبدیل مصون و محروس دانند و در
عهد شناسند تحریراً فی صفر ختم بالخیر و الظفر سنه ۱۱۴۳ .

توضیح :

در پایان شرح تاریخچه مسجد میدان کاشان و انتشار متن
فرامین و احکام آن لازم دانست که باستحضار خوانندگان
گرامی برساند : قسمتهائی که در متن فرمانها نقطه گذاری شده
است در اصل محو شده و یادرتبیجه سائیدگی قرائت صحیح
آن برای نگارنده خالی از اشکال نبوده است .

با ایها الذین آمنوا انما الخمر و المیسر و الانصاب . و الاذلام
رجس من عمل الشیطان فاجتنبوه لعلکم تفلحون دست بآلت قمار
دراز نکرده قبل از آنکه شطرنج روزگار ایشانرا در روز
مات مات و قیل بند حیرت و با بمال هنگامه عرصات ساخته
معلوم شود . که آنچه برده باخته اند ساکن طریق نبوده بهیچوجه
پیرامون آن عمل شنیع نگردند و کل وجوه بیت اللطف و قمارخانه
و چرس فروش و بوزه فروش ممالک محروسه را که هر ساله
مبلغها خطیر میشد بتخفیف و تصدق فرق فرقدسای اشرف مقرر
فرمودیم و درین ابواب صدور عظام و علماء اعلام و فقهای اسلام
و ثیقہ ائبقه علیحدہ موکده بلعن ابدی و طعن سرمدی که موشح
قرین بخط گوهر نثار همیون ماست بسلك تحریر کشیده اند میباید
که آن وزارت پناه و داروغه مزبوره بعد از شرف اطلاع بر مضمون
رقم مطاع لازال نافذ فی الاقطاع و الارباع مقرر دارد که در کل
محال ضبطی و داروغگی خود و ساکنان و متوطنین بقانون
شریعت عزا و طریق اظهار بیضا ناهج منهج صلاح و سداد بوده .
مرتکب امور مذکور نگردند و بدکاران در حضور اهالی شرع
شریف و کلاتروریش سفیدان محلات بموجب آیه وافی هدایه
والذین اذا افعلوا فاحشة او ظلموا انفسهم ذکروا لله فاستغفروا
الذنوبهم توبه کنند و مرتکبین محرمات مزبوره را تنبیه و تأدیب
والذام بازیافت نماید و هر گاه استعمال بدان افعال ذمیه نمایند
بر نهج شرع مطاع حد جاری و مورد مواخذه و بازخواست
سازند و چنانچه احدی اعمال شنیعه دیگری مطلع گشته اعلام
نماید آن شخص را بنوعی تنبیه نمایند که موجب عبرت دیگران
گردد و آن وزارت پناه و داروغه مزبور چیزی بازیافت نموده
نگذارند که آفریده بدینجهت دیناری طمع و توقع نماید و خلاف
کننده از مردودان درگاه و محرمان شفاعت حضرت رسالت
پناهی مستحقان لعنت و نفرین ملائکه آسمان زمین باشد و اهالی
و اوباش را نیز از کبوتر پرانی و گرگ دوانی و نگاه داشتن گاو
و قوچ و سایر حیوانات جهت جنگ و پر خاش که باعث خصومت
و عناد و موجب انواع شورش و فساد است ممنوع ساخته سدان
ابواب را از لوازم شمرند و دقیقه در استحکام احکام مطاعه
فروگذار نمایند و در عهده شناسند تحریراً فی شهر شوال المکرم
سنه هزار و صد و شش از هجرت .